

## یادداشت پیش‌بینی مکتب فرانکفورت که محقق شد نیماسدی

انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا که منجر به انتخاب دونالد ترامپ شد، شوکی به روشنفکران جهان از جمله خود ایالات متحده بود و این سوال در ذهن اکثر آنها حکاکی شد که چگونه در یک کشور آزاد و پیشرو در همه زمینه‌ها از جمله علوم انسانی، فردی پوپولیست که متوسط اندیشه‌هایش از تمامی رییسان جمهور امریکا پایین‌تر است بر گزیده شده است. هنوز پس از دو سال از این انتخاب این سوال کماکان در ذهن روشنفکران امریکا باقی است. اما اگر کسی به اندیشه‌های مکتب جهانی رجوع کنیم متوجه یک نکته مهم می‌شویم و آن این است که حدود نیم قرن پیش یک مکتب فکری پیش‌بینی چنین روزی را می‌کرد؛ مکتب فرانکفورت. این موضوع را مجله نیویورکر حدود یک ماه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا در گزارشی منتشر کرد. گزارش زیر در همین خصوص است:

مدت کوتاهی پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، خبر کوتاهی روی خطوط خبری آمد: ویلای توماس مان در لس‌آنجلس حفظ خواهد شد. این خانه که مطابق با مشخصه‌های توماس مان در دهه ۱۹۴۰ ساخته شده بود در اوایل همین سال (۲۰۱۵) برای فروش گذاشته شده بود و به احتمال زیاد تخریب می‌شد زیرا ساختمان بی‌ارزش‌تر از زمین آن بود.

اما بعد از مذاکرات زیاد، دولت آلمان ملک را با این ایده که آن را به مثابه یک مرکز فرهنگی بنا نهد، خریداری کرد. این منزل مستحق نگاهداری نبود نه به این خاطر که یک نویسنده بزرگ در آنجا می‌زیست بلکه یادآور لحظات غم‌انگیز در تاریخ فرهنگ امریکا بود.

نویسنده «مرگ در ونیز» و «کوهستان جادو» در سال ۱۹۳۸ در این کشور اقامت گزید، یک پناهجوی محترم از نازیسم، او شهروند امریکا شد و آرمان‌های آمریکایی را ارتقا بخشید. در سال ۱۹۵۲ در متقاعد شده بود که مک کار تیسم پیش در آمد فاشیسم است و احساس کرد که دوباره مهاجرت کند.

مان در کمیته مجلس فعالیت‌های غیرامریکایی که در خصوص کمونیسم بر گزار شده بود گفته بود، «سماح فر هنگی، تقصص سیاسی و نزول امنیت حقوقی و تمام اینها که به نام وضعیت اضطراری انجام می‌شود… همان چیزی است که در آلمان شروع شده بود.» تخریب «ویلای سحرآمیز» مان می‌توانست مقدمه سرد برای یک داستان ملی‌خواهیایی باشد.

مان تنها مهاجر اروپایی مرکزی نبود که احساس ناآرامی را در سال‌های پروهشت بعد از پایان جنگ جهانی دوم تجربه کرده بود. اعضای روشنفکری که به نام مکتب فرانکفورت معروف هستند ابتدا-تا به خاطر بنا نهادن موسسه تحقیقات اجتماعی که فرانکفورت – یک هشدار مشابهی را احساس کرده بودند. در سال ۱۹۵۰، ماکس هورکهایمر و آدورنو کمک کردند تا مجموعه‌ای به نام «شخصیت اقتدارگرا» را جمع‌آوری کنند. این مجموعه مشخصه روانشناسی و اجتماعی «فرد بالقوه فاشیست» ساخته و پرداخته کرده بود.

کار براساس صاحبه با سوژه‌های امریکایی بود و انباشتی از نژادپرستی، ضددموکراتیک، پارانوئید احساسات غیرمنطقی در پرونده‌های مطالعاتی که سخنگویان آلمانی‌زبان را به تفکر واداشت. به همین صورت، کتاب «پیامبران فریب» لئو لونتال و نوربرت گوژرمان در سال ۱۹۴۹، به مطالعه نوع پسرک گولگین عوام‌فریبی می‌پردازد که «بشه احساس و ذهنیتی بروز خواهند کرد که در آن اکثر مردم دستکاری و روانشناسی او را قبول خواهند کرد.»

آدرنو معتقد بود که بزرگ‌ترین خطر برای دموکراسی امریکایی در ابزارهای توده-فرهنگ فیلم، رادیو و تلویزیون قرار دارد. از نگاه او، این ابزار در مدل دیکتاتوری عمل می‌کند، حتی اگر دیکتاتوری وجود نداشته باشد. پیروی از تقویت می‌کند، ناراضیانی را خاموش می‌کند، تفکر را از بین می‌برد. آلمان نازی غایب‌ترین مورد از شرایط سرمایه‌داری موخر بود که در آن مردم آزادی روشنفکرانه واقعی را به نفع بهشت شرم آلود راحت‌طلبی و لیبرالی فردی فدا کردند. با نگاه کردن به فیلم‌های کوتاه دوران جنگ، آدورنو مثل هورکهایمر نتیجه می‌گیرد که «صنعت فرهنگی» جایگزین روش‌های فاشیستی هیپنوتیزم توده می‌شود.

به نظر می‌آمد که ترس توماس مان، آدرنو و دیگر مهاجران بی‌مورد بود است. خطر مک کارتی بر طرف شد، حقوق مدنی پیشرفت کرد، سخنرانی آزاد پیروز شد؛ لیبرال دموکراسی در سراسر جهان بسط یافت. با پایان یافتن قرن بیستم، در بسیاری از چهار گوشه زمین مکتب فرانکفورت را یک روشنفکری بی‌محتوای ساختگی می‌دیدند. با این حال در سال‌های اخیر، ارزش آن یک بار دیگر بالا رفت.

همان‌طور که استوارت جفریز در کتاب اخیرش به نام «پر نگاه گراند هتل: زندگینامه مکتب فرانکفورت» خاطرنشان کرده است، بحران‌های بین‌المللی سرمایه‌داری و لیبرال دموکراسی باعث شده است که تئوری نقادی دوباره روی کار بیاید. ترکیب نابرابری اقتصادی و ناامیدی در هنگ توده‌های دقیق مطابق با سناریو آدورنو و دیگرانی است که در ملی‌داختن: انسداد توده‌ای بر سلطه نخبگان پرده می‌اندازد.

## سیاست‌نامه

**اندیشه سیاسی**



سیاست‌نامه | انقلاب اسلامی ایران بی‌تردید مهم‌ترین واقعه تاریخ معاصر کشورمان است. این واقعه و ابعاد مختلفش، آن‌قدر اهمیت دارد که مرتباً به‌بهانه‌های گوناگون و از نقطه‌نظرات مختلف مورد بازخوانی قرار گیرد. طبیعی است که این بازخوانی‌ها و زاویه‌نظرات مختلف، همه از یک جنس نیستند و هر کدام از تحلیل‌گران تاریخ معاصر ایران صرفاً از زاویه نگاه خودشان به این تحول بزرگ می‌نگرند. کتاب اخیر فوکویاما فیلسوف ژاپنی – امریکایی بهانه‌ای شده که دکتر محمدجواد غلام‌رضا کاشی بار دیگر به بازخوانی انقلاب اسلامی و نتایج مترتب کنشورمان وجود دارد که ناقص نظرات نویسنده است. تنها یک‌سوی ماجراست و نگاه‌های دیگری هم در میان تحلیل‌گران و صاحب‌نظران تاریخ معاصر ایران وجود دارد. اما آنچه نویسنده در این مقاله گفته است، تنها یک‌سوی ماجراست و نگاه‌های دیگری هم در میان تحلیل‌گران و صاحب‌نظران تاریخ معاصر ایران وجود دارد. اما آنچه نویسنده در این مقاله گفته است، تنها یک‌سوی ماجراست و نگاه‌های دیگری هم در میان تحلیل‌گران و صاحب‌نظران تاریخ معاصر ایران وجود دارد. اما آنچه نویسنده در این مقاله گفته است، تنها یک‌سوی ماجراست و نگاه‌های دیگری هم در میان تحلیل‌گران و صاحب‌نظران تاریخ معاصر ایران وجود دارد. اما آنچه نویسنده در این مقاله گفته است، تنها یک‌سوی ماجراست و نگاه‌های دیگری هم در میان تحلیل‌گران و صاحب‌نظران تاریخ معاصر ایران وجود دارد.

فوکویاما در کتاب‌اخیر خود که بانام «هویت طلب کرامت و سیاست مبتنی بر خشم» منتشر شده به روایتی از ملی‌گرایی تحت عنوان «هویت ملی مبتنی بر اصول» می‌پردازد که به نظر قابل تأمل است. من خیال می‌کنم در آستانه

انقلاب ایران چنین صورتی از ملی‌گرایی متولد شد اما در سن نوزادی از دنیا رفت. به چکیده‌ای از آرای فوکویاما در این کتاب اشاره می‌کنم آنگاه به آن نوزاد از دنیا رفته خواهیم پرداخت.

### خطر هویت‌جویی‌های قومی

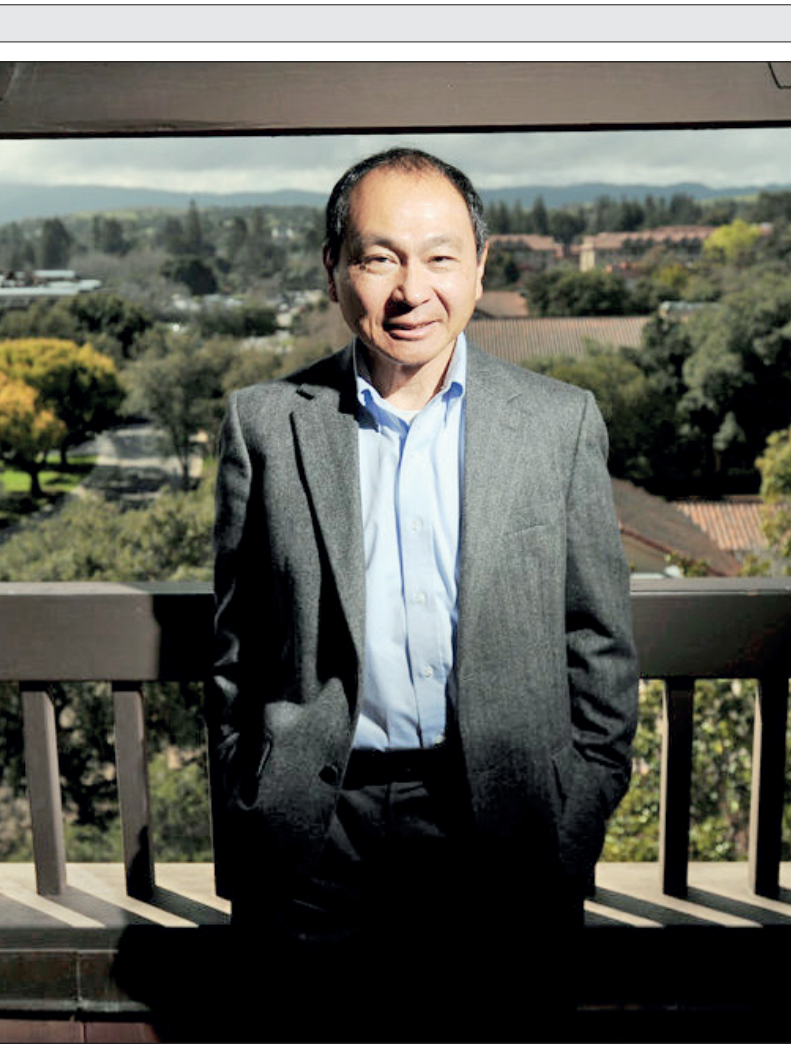
فوکویاما در کتاب خود به خطر ظهور هویت‌جویی‌های قومی، نژادی، مذهبی و جنسیتی به منزله صورت‌های خطرناک سیاست هویت اشاره می‌کند. ظهور ترامپ و جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا نمونه‌های بارز این ظهور هستند و در نظر فوکویاما، سیاست‌های لیبرالیستی مدافع حقوق فردی و سیاست‌های چپ مبتنی بر دفاع از حقوق طبقه کارگر هر دو در یک‌نکته‌مشتک‌بودند و آن فراموش کردن بسیاری از گروه‌های اجتماعی حاشیه‌مانند گروه‌های قومی، جنسیتی، نژادی و مذهبی بود. این گروه‌ها نه‌جایگاه خود را در سیاست‌های دنیای لیبرالی درک می‌کردند نه در سیاست‌های چپ. این سنخ از گروه‌ها به قول فوکویاما، درکی درونی از خود دارند که با درکی که از آنها ساخته شده، ناسازگار است. آنها تصور می‌کنند چیزی در سر است هویتی‌شان وجود دارد که ناشناخته مانده و در فضای سیاست‌های لیبرال یا چپ نادیده گرفته شده است. آنها خشمگین‌اند و اینک با تکیه بر ابزارهای رسانه‌ای جدید و موج‌نو ظهور پوپولیسم سیاسی در عرصه‌بین‌الملل میندای تازه برای ظهور پیدا کرده‌اند. به نظر فوکویاما، این سنخ از فعلیت سیاسی برای همه کشورها و عرصه‌بین‌الملل خطرناک است.

### را‌حل فوکویاما

اوبسرای بروزرفت از این خطر، همه را به احیای هویت ملی مبتنی بر اصول فراخوان می‌کند. به قول فوکویاما، ملی‌گرایی که بر انگاره‌های عصر روشنگری ظهور کرد، مبتنی بر باورهای نژادی و قومی نبود بلکه بر منظومه‌ای از آرای اصولی عصر روشنگری نظیر آزادی و برابری انسانی استوار بود. اگر چه بعدها بسیاری از امواج ملی‌گرایی به باورهای نژادی در آمیختند اما پیوند میان ملی‌گرایی و باورهای نژادی و قومیتی لزوماً در سرشت ملی‌گرایی نهفته نیست. فوکویاما، هم لیبرال‌ها و هم چپ‌ها را فرامی‌خواند تا برای نجات ارزش‌های عصر روشنگری، پرچم آن سنخ از ملی‌گرایی را برافرازند و در مقابل سیاست‌های هویت دنیای امروز مقاومت کنند. یکی از دلایل ظهور سیاست‌های هویتی گروه‌های قومی و مذهبی و جنسیتی در دنیای امروز از نظر فوکویاما، رشد در آینه جهانی شدن است. جهانی شدن هم احساس درونی ناپدیده گرفته‌شدگی گروه‌های قومی و جنسیتی و دینی را تشدید کرده و هم امکان‌های ظهور و بروز به آنها عطا کرده است. در مقابل رویکرد افراطی جهان‌گرایی عام‌انسانی و رویکرد تفریطی تکیه بر حقوق فردی، فوکویاما، ایستادن در نقطه دفاع از ملی‌گرایی مبتنی بر اصول را بهترین نقطه مقاومت برمی‌شمارد.

Info@etemadnewspaper.ir

شنبه ۵ آبان ۱۷۰۳۹۷ صفر ۲۷۰۱۴۴۰ اکتبر ۲۰۱۸، سال شانزدهم، شماره ۴۲۱۸



### نگاهی به آخرین کتاب فرانسیس فوکویاما

# یادمان هویت ملی مبتنی بر اصول

هویتی گروه‌های قومی و مذهبی و جنسیتی در دنیای امروز از نظر فوکویاما، رشد فرآیند جهانی شدن است. جهانی شدن هم احساس درونی ناپدیده گرفته‌شدگی گروه‌های قومی و جنسیتی و دینی را تشدید کرده و هم امکان‌های ظهور و بروز به آنها عطا کرده است. در مقابل رویکرد افراطی جهان‌گرایی عام‌انسانی و رویکرد تفریطی تکیه بر حقوق فردی، فوکویاما ایستادن در نقطه دفاع از ملی‌گرایی مبتنی بر اصول را بهترین نقطه مقاومت برمی‌شمارد.

### کتاب فوکویاما و انقلاب اسلامی ما

مضمون کتاب فوکویاما ر به‌فضای ابتدای انقلاب بر دو واقع این است که خواست آزادی و عدالت و استقلال سیاسی مضمون اساسی نهضتی بود که در فضای منتهی به انقلاب سال ۵۷ در ایران شعله کشید. دین و باورهای مذهبی در برانگیختن این فضانقش در جه‌اول داشت. اما آنچه سبب معتبر شدن دین در عرصه سیاسی شد، عرصه روایت‌هایی بود که دین را به منزله پشتوانه اصلی عدالت و آزادی و استقلال در عرصه عمومی منتشر کرده بود. این مدعایی ابطال‌ناپذیر نیست. می‌توان همه ادبیات بسیج‌کننده در عرصه سیاسی ایران از اوایل دهه ۵۰ تا آستانه پیروزی انقلاب را روی میز گذاشت و مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در این متون آنچه کلونی است نقد رژیم پهلوی است از این همان فضای انقلابی سال‌های ۵۶ و ۵۷ متولد شد و هنوز سنش به یکی دو سال نرسیده بود که از دنیا رفت. فقط به چند عامل اشاره می‌کنم که مسبب مرگ این طفل بیچاره شدند و الا عوامل بسیار دیگری دخیل بودند. عوامل مذکور به شرح زیرند:

۱- حفظ سرشت ملی‌گرایی مبتنی بر اصول ایرانی با شخص شاه بود. طرد نام شاه، اسم رمز پیوند میان مردم و حوش ارزش‌های آزادیخواهی و عدالت و استقلال بود. اما صدافسوس که ملی‌گرایی مبتنی بر اصول ایرانی در همان فضای انقلابی سال‌های ۵۶ و ۵۷ متولد شد و هنوز سنش به یکی دو سال نرسیده بود که از دنیا رفت. فقط به چند عامل اشاره می‌کنم که مسبب مرگ این طفل بیچاره شدند و الا عوامل بسیار دیگری دخیل بودند. عوامل مذکور به شرح زیرند:

۱- حفظ سرشت ملی‌گرایی مبتنی بر اصول ایرانی با خواست تمرکز در عرصه سیاسی ناسازگار بود. در آن روزگار در عرصه سیاسی ایران، کسانی باهم ستیزی می‌کردند که در یک‌نکته مشترک بودند، همه خواهان صورتی از سیاست متمرکز بودند. به طرزیک دو مورد خاص، هیچ‌کس، خرد حیات سیاسی مبتنی بر کثرت و تفاوت را نداشت. یکی، دیگری را اختیار می‌کرد به نظر منصفی از آنچه



■ **کتاب فوکویاما، ما ر به فضای ابتدای انقلاب بر د. واقع این است که خواست آزادی و عدالت و استقلال سیاسی، مضمون اساسی نهضتی بود که در فضای منتهی به انقلاب سال ۵۷ در ایران شعله کشید. دین و باورهای مذهبی در برانگیختن این فضا، نقش در جه اول داشت. اما آنچه سبب معتبر شدن دین در عرصه سیاسی شد، عرصه روایت‌هایی بود که دین را به منزله پشتوانه اصلی عدالت و آزادی و استقلال در عرصه عمومی منتشر کرده بود.**

■ **فوکویاما در کتاب خود به خطر ظهور هویت‌جویی‌های قومی، نژادی، مذهبی و جنسیتی به منزله صورت‌های خطرناک سیاست هویت اشاره می‌کند. ظهور ترامپ و جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا، نمونه‌های بارز این ظهور هستند و در نظر فوکویاما، سیاست‌های لیبرالیستی مدافع حقوق فردی و سیاست‌های چپ مبتنی بر دفاع از حقوق طبقه کارگر هر دو در یک‌نکته‌مشتک‌بودند و آن فراموش کردن بسیاری از گروه‌های اجتماعی حاشیه‌مانند گروه‌های قومی، جنسیتی، نژادی و مذهبی بود. این سنخ از گروه‌ها به قول فوکویاما، درکی درونی از خود دارند که با درکی که از آنها ساخته شده، ناسازگار است. آنها تصور می‌کنند چیزی در سر است هویتی‌شان وجود دارد که ناشناخته مانده و در فضای سیاست‌های لیبرال یا چپ نادیده گرفته شده است. آنها خشمگین‌اند و اینک با تکیه بر ابزارهای رسانه‌ای جدید و موج‌نو ظهور پوپولیسم سیاسی در عرصه‌بین‌الملل میندای تازه برای ظهور پیدا کرده‌اند. به نظر فوکویاما، این سنخ از فعلیت سیاسی برای همه کشورها و عرصه‌بین‌الملل خطرناک است.**

■ **فوکویاما، ملی‌گرایی که بر انگاره‌های عصر روشنگری ظهور کرد مبتنی بر باورهای نژادی و قومی نبود بلکه بر منظومه‌ای از آرای اصولی عصر روشنگری نظیر آزادی و برابری انسانی استوار بود.**

■ **فوکویاما، هم لیبرال‌ها و هم چپ‌ها را فرامی‌خواند تا برای نجات ارزش‌های عصر روشنگری، پرچم آن سنخ از ملی‌گرایی را برافرازند و در مقابل سیاست‌های هویت دنیای امروز مقاومت کنند.**

■ **یکی از دلایل ظهور سیاست‌های هویتی گروه‌های قومی و مذهبی و جنسیتی در دنیای امروز از نظر فوکویاما، رشد در آینه جهانی شدن است. جهانی شدن هم احساس درونی ناپدیده گرفته‌شدگی گروه‌های قومی و جنسیتی و دینی را تشدید کرده و هم امکان‌های ظهور و بروز به آنها عطا کرده است.**

■ **در مقابل رویکرد افراطی جهان‌گرایی عام‌انسانی و رویکرد تفریطی تکیه بر حقوق فردی، فوکویاما، ایستادن در نقطه دفاع از ملی‌گرایی مبتنی بر اصول را بهترین نقطه مقاومت برمی‌شمارد.**

شنبه ۵ آبان ۱۷۰۳۹۷ صفر ۲۷۰۱۴۴۰ اکتبر ۲۰۱۸، سال شانزدهم، شماره ۴۲۱۸



**ادامه از صفحه اول**

### دموکراسی در معرض خطر

هیچ سوسه‌استفاده از قدرتی توسط عربستان، حتی در یک سرزمین خارجی (این موارد متعددو کمابیش جدی که شامل اعضای خاندان سلطنتی هستند، آنقدر شایعند که دست‌مایه مجلات زردرنگی‌هایی شوند) هرگز مانع دموکراسی‌هایاری انعقاد قرار داد، حتی قرارداد تسلیحاتی نیز شده است. حتی اگر صداهایی بلند می‌شوند جهت انتقاد از مواردی همچون دستگیری فعالین حقوق زنان، مانندانتقادکانادا در ماه اوت گذشته، عربستان بافراخواندن دانشجویانش و اخراج سفیر کشورموردنظر از ریاضی به آن جوابی تندی‌می‌دهد. اما کشور انتقادکننده به ندرت از جانب سایر دموکراسی‌ها حمایت می‌شود. آلمان نیز چندماه پیش بابر خوددی‌مشابه‌مواجه‌شد زمانی که یکی از وزرایش به خود جرئت انتقاد از سیاست‌های عربستان در لینان را داد. در سال ۲۰۱۵، با وجود نگرانی شرکت‌های بزرگ، سوئد شجاعانه از ادامه همکاری دوجانبه نظامی خود با عربستان سعودی جهت محکوم کردن نقض حقوق بشر در این کشور سر باز زد، سوئد تنها کشوری بود که چنین کرد. دستگیری و به‌گروگان‌گیری ۴۰۰ نفر از مقامات بلندپایه عربستان سعودی، تحریم تحمیلی به قطر، ربودن نخست‌وزیر لینان و تنه‌نوم‌هایی‌از احساس مصونیت‌هایی هستند که با سکوت تحمل شدند. یک احساس مصونیت از مجازات دیگر کافی بود تا کاسه‌صبر همگان لبریز شود. کشته شدن یک روزنامه‌نگار مشهور که به ایالات متحده تبعید شده بود برای واشنگتن پست مقاله می‌نوشت، پایان مصونیت عربستان سعودی باید با پایان رفتارهای زشت و تبعیض‌آمیز اروپاییان همراه باشد. نمی‌توان هم‌زمان روسیه را به خاطر مسمومیت یک جاسوس دوجانبه مجازات کرد و در عین حال قبول کرد که ریاض بتواند یک مخالف در تبعید را به قتل برساند، در واقع این پرونده همانقدر جدی است. این در حقیقت یک‌بندبازی ناممکن است که دونالد ترامپ به‌طرزی ناشیبه‌سعی در حفظ تعادل آن دارد برای نجات استراتژی خود جهت تخریب چهره ایران و بازگرداندن تمام تحریم‌ها از تاریخ ۴ نوامبر، تحریم‌هایی که در سال ۲۰۱۳ به ایران ضربه زدند (خصوصاًتولید نفت کشور)، رییس‌جمهور امریکابه کمک سعودی‌ها نیازمند است. برای حفظ وعده‌های سال گذشته قرارداد‌های مربوط به فروش تسلیحات به ارزش ۱۱۰ میلیارد یورو، دولت امریکایاناز دار د تا محمد بن سلمان را از تیررس اتهامات دور نگه‌دارد این مسأله به مراتب سخت‌تر و ناممکن‌تر خواهد بود، زیرا خود کنگره خواستار اعمال تحریم علیه عربستان سعودی و پایان جنگ در یمن است. دیگر نهفت‌ونه وعده‌های انعقاد قرار داد جدیدکدام نمی‌تواند سکوتی بر اسانس ثباتی را توجیه کند. اروپایی‌ها، که دچار وضعیت مشابه با دونالد ترامپ هستند، همان‌ا ثنا خط‌سیری سختگیرانه‌تر نسبت به سعودی‌ها اتخاذ کردند. اکثر رهبران ارشد اقتصادی و سیاسی که به «دووس صحرای عدوت» شده بودند سفر خود را لغو کردند. انکار امر کل، صدراعظم آلمان، اشکال توقف فروش اسلحه به عربستان سعودی را در نظر دارد. فرانس، آلمان و انگلیس هر سه مرتباً خواستار صورت پذیرفتن تحقیقاتی مستقل بر روی پرونده و زاویه توضیحاتی در قبال مسأله قتل خاشقچی هستند. اگر ملی‌گراسی‌ها متوجه شوند که مشروعبت آنان در صحنه بین‌المللی از منافع اقتصادی‌شان است، این توفان ممکن است برای عربستان سعودی گران تمام‌شود.

### احترام به حقوق مالکیت

متأسفانه همان‌مروز در جامعه به حاکمیت قانون مالکیت افراد هستیم. به عنوان مثال اگر در مورد متخلف از جمله بازار خودرو، به فرار آند‌هایی که میان خرید و فروش‌شده‌امشاده وقت کنیم، شاهد نقض حقوق مالکیت خریدار هستیم. دلیل این نقض حقوق خریدار توسط فروشنده را بناط میان فروشنده و پناهندهای قدرت است. در چنین شرایطی خریدار که عموماً مردم بدبختی از رابط با پناهندهای قدرت هستند، برای پیگیری حقوق مالکیت خود به کجا می‌آید مرجعه کنند؟ هزینه پیگیری برای مردم عادی چه مقدار خواهد بود؟ بعضاً هزینه پیگیری در کشور ما اینچنان زیاد است که مردم عادی از پیگیری منصرف می‌شوند. یکی از موارد اساسی که یک نظام‌آزاد بتواند فعالیت کند، آن است که حاکمیت قانون یک الزام باشد. در چنین شرایطی حقوق مردم عموماً به‌طور فین‌قرار داده‌ای مختلف تضمین می‌شود اما متأسفانه امروز شاهد نقض صریح حقوق مردم توسط کارکنان قدرت هستیم. به نکر آن موارد، هم‌زمان شاهد نقض مالکیت مردم توسط دولت‌ها هستیم. یکی از مواردی که نقض حقوق مالکیت مردم توسط دولت محسوب می‌شود، مبادرت دولت به کاهش ارزش پول ملی است. بنابراین آنچه توسط برخی دولتمردان انجام می‌شود دارای مولفه‌هایی است که باید رعایت شود. نخستین مولفه حاکمیت قانون و دومین مولفه احترام به حقوق مالکیت است. اگر به این مولفه توجه شده و به آن جامه عمل پوشانده شود، نهاد گرایی گسترش پیدا خواهد کرد اما مادمای که شاهد نقض مکرر حاکمیت مردم و همچنین ناتوانی دولت‌ها در قضایه با مقاله با این موارد به دلیل گستردگی و شدت هستیم، نهاد گرایی ندارد. در این میان صحبت از بازار آزاد فرصتی را برای صاحبان ثروت فراهم می‌کند تا در کارد درست بازار آزاد خرد کنند. این اتفاقی است که به کرات در ایران رخ داده و شاهد شاهد تمسیع حقوق شان توسط تعدد توسط نهادهای قدرتمند بوده‌اند بنابراین خلائنه‌ای که در چنین شرایطی مردم رها می‌راند، می‌تواند منافع مردم باشد، وجود ندارد. مطلق نباید موضوع بازنگری در ساختار اقتصادی، بحث تازه‌ای نیست. در سه دهه گذشته ما همواره شاهد حضور سیاست‌هایی به اسم بازار آزاد بودیم و این سیاست‌ها در شرایطی پدیدار می‌شدند که بهتر نهادهی تحقق بازار آزاد وجود نداشت. در آن دوران اقداماتی صورت گرفت که منافع گروه‌های خاص تأمین شد و این تأمین منافع، سبب بروز شکاف طبقاتی، اختلاف در آمدی و دست رفتن فرصت‌های اجتماعی برای جمعیت کثیری از مردم شد. خروجی دیگر این دیدگاه تقریباً از حد مردم بود. باید بدین‌تأملی، به دنبال فکر وار د جامعه می‌شود. مصداق یکی از تأملی‌های موجود در کشور گلمندنی مردم از رفتار دیگر شهروندان است که این مهم خود را به‌شکل یک‌ناهنجاری مانند کلان‌برداری بروز می‌بیند. می‌کند ما برای آنکه بتوانیم یک اقتصاد سالم داشته باشیم، نیازمند یک کرد نهادهای اصلی و اساسی برای کار کردهای اقتصادی هستیم. در اقتصاد سالم، مهم‌ترین کار کرد دبجرات است از اعتماد عمومی به ساختار اقتصادی این اعتماد عمومی هم باید به ساختار باشد و هم مسوولان و این مولفه مهم همان سرمایه اجتماعی است. سرمایه‌ای که در سه دهه گذشته باید بدین‌تأملی، به دنبال فکر اقتصادی به‌شدت آسیب دیده است که مواردی از این آسیب نیازمند استقرار نهادهای ساختار‌های نهادهی متناسب هستیم و مادمای که این نهادهای مستقر نشوند، عملاً امکان بازسازی اقتصاد کشور وجود ندارد.

### مسائنه همان‌مروز در جامعه به حقوق مالکیت

متأسفانه همان‌مروز در جامعه به حاکمیت قانون مالکیت افراد هستیم. به عنوان مثال اگر در مورد متخلف از جمله بازار خودرو، به فرار آند‌هایی که میان خرید و فروش‌شده‌امشاده وقت کنیم، شاهد نقض حقوق مالکیت خریدار هستیم. دلیل این نقض حقوق خریدار توسط فروشنده را بناط میان فروشنده و پناهندهای قدرت است. در چنین شرایطی خریدار که عموماً مردم بدبختی از رابط با پناهندهای قدرت هستند، برای پیگیری حقوق مالکیت خود به کجا می‌آید مرجعه کنند؟ هزینه پیگیری برای مردم عادی چه مقدار خواهد بود؟ بعضاً هزینه پیگیری در کشور ما اینچنان زیاد است که مردم عادی از پیگیری منصرف می‌شوند. یکی از موارد اساسی که یک نظام‌آزاد بتواند فعالیت کند، آن است که حاکمیت قانون یک الزام باشد. در چنین شرایطی حقوق مردم عموماً به‌طور فین‌قرار داده‌ای مختلف تضمین می‌شود اما متأسفانه امروز شاهد نقض صریح حقوق مردم توسط کارکنان قدرت هستیم. به نکر آن موارد، هم‌زمان شاهد نقض مالکیت مردم توسط دولت‌ها هستیم. یکی از مواردی که نقض حقوق مالکیت مردم توسط دولت محسوب می‌شود، مبادرت دولت به کاهش ارزش پول ملی است. بنابراین آنچه توسط برخی دولتمردان انجام می‌شود دارای مولفه‌هایی است که باید رعایت شود. نخستین مولفه حاکمیت قانون و دومین مولفه احترام به حقوق مالکیت است. اگر به این مولفه توجه شده و به آن جامه عمل پوشانده شود، نهاد گرایی گسترش پیدا خواهد کرد اما مادمای که شاهد نقض مکرر حاکمیت مردم و همچنین ناتوانی دولت‌ها در قضایه با مقاله با این موارد به دلیل گستردگی و شدت هستیم، نهاد گرایی ندارد. در این میان صحبت از بازار آزاد فرصتی را برای صاحبان ثروت فراهم می‌کند تا در کارد درست بازار آزاد خرد کنند. این اتفاقی است که به کرات در ایران رخ داده و شاهد شاهد تمسیع حقوق شان توسط تعدد توسط نهادهای قدرتمند بوده‌اند بنابراین خلائنه‌ای که در چنین شرایطی مردم رها می‌راند، می‌تواند منافع مردم باشد، وجود ندارد. مطلق نباید موضوع بازنگری در ساختار اقتصادی، بحث تازه‌ای نیست. در سه دهه گذشته ما همواره شاهد حضور سیاست‌هایی به اسم بازار آزاد بودیم و این سیاست‌ها در شرایطی پدیدار می‌شدند که بهتر نهادهی تحقق بازار آزاد وجود نداشت. در آن دوران اقداماتی صورت گرفت که منافع گروه‌های خاص تأمین شد و این تأمین منافع، سبب بروز شکاف طبقاتی، اختلاف در آمدی و دست رفتن فرصت‌های اجتماعی برای جمعیت کثیری از مردم شد. خروجی دیگر این دیدگاه تقریباً از حد مردم بود. باید بدین‌تأملی، به دنبال فکر وار د جامعه می‌شود. مصداق یکی از تأملی‌های موجود در کشور گلمندنی مردم از رفتار دیگر شهروندان است که این مهم خود را به‌شکل یک‌ناهنجاری مانند کلان‌برداری بروز می‌بیند. می‌کند ما برای آنکه بتوانیم یک اقتصاد سالم داشته باشیم، نیازمند یک کرد نهادهای اصلی و اساسی برای کار کردهای اقتصادی هستیم. در اقتصاد سالم، مهم‌ترین کار کرد دبجرات است از اعتماد عمومی به ساختار اقتصادی این اعتماد عمومی هم باید به ساختار باشد و هم مسوولان و این مولفه مهم همان سرمایه اجتماعی است. سرمایه‌ای که در سه دهه گذشته باید بدین‌تأملی، به دنبال فکر اقتصادی به‌شدت آسیب دیده است که مواردی از این آسیب نیازمند استقرار نهادهای ساختار‌های نهادهی متناسب هستیم و مادمای که این نهادهای مستقر نشوند، عملاً امکان بازسازی اقتصاد کشور وجود ندارد.

<sup>[1]</sup> استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

<sup>[2]</sup> استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی